

انطباق‌یابی فضایی محله با ویژگی‌های اجتماع محلی در مادرشهر تهران

(مورد مطالعه: محله شمیران نو)

مظهر احمدی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

محمد سلیمانی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

علی شمعی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

طاہر پریزادی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

چکیده

محله به‌عنوان پدیده‌ای «فضامند» هم دارای حدود مرز صریح و ضمنی و هم به‌عنوان یک «گروه اجتماعی» دارای همگونی در ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان خود است. برخلاف دوران ماقبل مدرن، با ظهور عصر مدرن واگرایی بین دو مفهوم «محله» و «اجتماع محلی» آغاز شده و به‌مرور زمان به‌ویژه در شهرهای بزرگ بیشتر شد. شهرگرایی و سبک زندگی مادرشهری از جمله عوامل تأثیرگذار بر این جریان بوده است. پژوهش حاضر باهدف شناخت میزان انطباق محله با کیفیت‌های اجتماع محلی در مقیاس مادرشهری انجام گرفته است. این پژوهش ضمن تأکید بر جنبه کاربردی بودن آن، با فن پیمایشی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها اسنادی - میدانی بوده است. جامعه‌ی آماری ساکنین محله‌ی شمیران نو مادرشهر تهران بوده است که ۱۰۰ نفر از ساکنین به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس تعداد و موقعیت بلوک‌های موجود در محله مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های کمی، شامل آزمون تی تک نمونه‌ی و رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شده است. نتیجه‌ی آزمون‌های تجربی نشان داد که میزان برخورداری محله شمیران نو به‌عنوان یک قلمرو جغرافیایی از ویژگی‌های اجتماع محلی در حد متوسطی (معادل میانگین مفروض پژوهش ۳) ارزیابی شده است. سطح هویت محله‌ای (حس تعهد، تعلق و دلبستگی ساکنین به محله) به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماع محلی در محله‌ی شمیران نو نسبتاً بالا (میانگین ۳/۳۲) بوده است؛ لیکن این وضعیت، سبب شکل‌گیری و بهبود تعاملات و همبستگی اجتماعی (روابط همسایگی، مشارکت، امنیت و اعتماد) درونی ساکنین محله نشده است. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد اغلب شاخص‌های شهرگرایی به‌عنوان متغیر مستقل دارای روابط و اثرات منفی بر مؤلفه‌های اجتماع محلی بوده‌اند و از جمله عوامل مهم کم‌رنگ شدن ویژگی‌های اجتماع محلی در محله مورد مطالعه بوده‌اند.

واژگان کلیدی: محله، اجتماع محلی، شهرگرایی، مادرشهر، تهران، شمیران نو.

مقدمه

بحث حول مفهوم محله و اجتماع، چه آنجا که کشاکش بین رد یا تایید آن است و چه آنجا که سخن از برابری آن در فرهنگ و ادبیات خودی با فهم از آن در دیگر فرهنگ‌هاست، فراوان است. «محله گرایی نو یا موضوعی تکراری؟» (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۶۷) و یا «آیا محله در دنیای در حال جهانی شدن موضوع بااهمیتی است؟» (Kearns and Parkinson, 2001: 2013). این گونه موارد، پرسش پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های معاصر بوده است. اگرچه مفهوم‌های معناداری چون اجتماع و محله که قدمت آن به اندازه‌ی تمدن‌های شهری است (Cowan, 2005: 257)، توسط دیدگاه‌هایی چون دیدگاه «لامکانی» ملوین وبر به راحتی متلاشی شد، پس چرا این مفهوم‌ها دوباره مطرح شده است؟ سازگاری با محیط‌زیست، وسیله‌ای برای مدیریت شهر، وسیله‌ای برای فعالیت بازار آزاد، چارچوبی برای یکپارچگی اجتماعی، وسیله‌ای برای تمایز و هویت (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۴۸) وسیله‌ای برای مدیریت ترافیک (عبدالله زاده طرف و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰) به عنوان سطحی بینابین از سازمان اجتماعی میان خانه و شهر که به فرد اجازه می‌دهد تا به حس منسجمی از جمع دست یابد (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۳۲) و به عنوان یک واحد بی‌نظیر از اتصال فضا و اجتماع بین نیروهای تحمیلی و نهادهای جامعه‌ی فرادست آن و جریان‌های عادی محلی شده در زندگی روزمره، می‌تواند به حد کافی دلایل قانع‌کننده در حمایت از این مفهوم‌ها باشند. در واقع نظام تقسیمات فضایی شهر همواره به عنوان مبنایی جهت برنامه‌ریزی و طراحی شهر در ادبیات شهرسازی دنیا مطرح بوده است که در این بین محله خردترین واحد در یک نظام شهری است. محله‌ها قابل فهم‌ترین و زیست‌پذیرترین واحدهای هویت و اقدامات برای ارائه جایگزین‌های مطلوب برای زندگی هستند (Wellman and Leighton 1979: 370; Martin 2003: 372; Silver 1985: 162). بنابراین در نظریات و الگوهای نوین طراحی و برنامه‌ریزی شهری نظیر نوشهرسازی، رشد هوشمند شهری، بوم شهر و شهر زیست پذیر که هدف پایدارسازی سکونت‌گاه‌های شهری و ایجاد محیطی مطلوب و دلپذیر برای شهروندان است، محله واحد اصلی برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. علی‌رغم این مزایای مبتنی بر محله، مشخص کردن یک محله از لحاظ جغرافیایی یک کار آسان نیست. به همین دلیل است که تعریف محله به طور قابل توجهی متفاوت است. به طور کلی گفته می‌شود که محله‌ها باید به اندازه کافی بزرگ باشند تا سرمایه‌گذاران را جذب کرده که از خدمات برای محله حمایت کنند، در حالی که اغلب محله‌ها کوچک باقی می‌مانند تا ساکنین یک هویت مشترک از محله را حفظ کنند (Weiss et al. 2007: 156).

در جغرافیای اجتماعی شهری و برنامه‌ریزی شهری، محله همیشه دارای دو معنا بوده که یکی به قلمرو فیزیکی و جغرافیایی و دیگری به قلمرو اجتماعی و سازمان اجتماعی مرتبط بوده است. ماهیت و انسجام شبکه‌های اجتماعی از یک مجموعه اجتماعی-فضایی به مجموعه دیگر بسیار متفاوت است و به راحتی نمی‌توان گفت کدام موقعیت‌ها و شرایط، بازتاب‌دهنده وجود «اجتماع محلی» هستند؛ بنابراین محله در معنای «واحد همسایگی و فیزیکی» شامل قلمرویی است که ساکنانی با ویژگی‌های جمعیت شناختی، اقتصادی و اجتماعی مشابه در آن قرار دارند، اما این امر لزوماً به معنای مبنایی برای کنش متقابل اجتماعی^۱ نیست. «اجتماعات محلی» زمانی وجود پیدا می‌کنند که درجه‌ای از انسجام اجتماعی^۲ بر پایه وابستگی متقابل توسعه پیدا کند که سبب ایجاد یکسانی در آداب و رسوم، ذائقه و شیوه‌های تفکر و صحبت کردن می‌شود (ناکس و پینچ، ۱۳۹۷: ۲۸۸). به عبارتی، محله‌ها را نمی‌توان تنها از نظر مکان یا افراد تعریف کرد. محله‌ها اساساً فضایی هستند در نتیجه به چیزی بیش از ویژگی‌های اجتماعی و رفتاری نیاز دارند. برای تکمیل تعریف محله، هم مکان (شامل مرزها، شکل شهری، بوم‌شناسی چشم‌انداز و جغرافیا) و هم مردمی که این مکان را پر کرده‌اند (شامل تراکم، درآمد، تحصیلات، قومیت و فرهنگ) باید در نظر گرفته شوند (Park and Rogers, 2015: 36).

با ترکیب یک مفهوم مشترک، یک محله مجموعه‌ای از افرادی است که خدمات و برخی سطوح همبستگی و ارتباط منطقی را در یک مکان جغرافیایی محدود به اشتراک می‌گذارند. در میان سه واژه کلیدی که همسایگی را تعریف می‌کنند یعنی مردم، مکان و انسجام و همبستگی، مکان مهم‌ترین اصطلاح برای تمایز محلات از سایر اصطلاحات مانند «اجتماع» است. اجتماع همچنین به گروهی از افراد با ارزش‌ها، باورها، موقعیت‌ها، علایق و فرهنگ یکپارچه بدون در نظر گرفتن مرز جغرافیایی اشاره دارد (Chaskin

¹ . social interaction

² . social solidarity

مختلفی مبنای پژوهش اندیشمندان شهری قرار گرفته است. از جمله اجتماع محلی به‌عنوان «نظریه»، اجتماع محلی به‌عنوان «روش»، اجتماع محلی به‌عنوان یک «مکان»، اجتماع محلی به‌عنوان «هویت و تعلق»، اجتماع محلی به‌مثابه «ایدئولوژی» و در نهایت اجتماع محلی به‌مثابه «سیاست و عمل» (blackshaw, 2010). در نوشتارهای شهرسازی مفهوم اجتماع محلی با شبکه‌ای از اجتماعات مردمی با هویت، علائق و نظریه‌های مشترک در سطح محلی، تعریف شده است که زمینه‌های شناخت، ایجاد فرصت و حمایت‌های دوسویه را برای تعامل متقابل فراهم می‌آورند (barton, 2003: 4). آنچه در تمامی تعریف‌ها به‌عنوان رویکرد مشترک به اجتماع محلی درخور توجه است، حضور افرادی با منافع و ارزش‌های مشترک و شبکه‌های اجتماعی میان آن‌هاست؛ بنابراین، هر اجتماع محلی دارای دو بعد «مکانی» و «اجتماعی» است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹).

با شروع قرن بیستم و توسعه صنعتی، افزایش سریع جمعیت در شهرها و مسائل فراوان ناشی از آن در زمینه سکونتگاه‌ها، ساختار و مفهوم محله در شهرهای جدید دچار تزلزل شد. امروزه با گسترش روزافزون ارتباطات، دسترسی بین نقاط مختلف شهر آسان‌تر شده است. از این‌رو، قلمروی زیست و کار انسان نیز ابعاد وسیع به خود گرفته است (غروی الخوانساری، ۱۳۹۶: ۶۲). آنچه مشخص است امروزه رواج فرهنگ مصرفی و نیز رونق شکوفایی مادی، هندسه اجتماعی شهرها را چه در بعد روابط اجتماعی و چه از منظر کالبدی، هدف قرار داده است. واحدهای کوچک‌تر اجتماعی، به تدریج استقلال و قدرت عمل خود را از دست می‌دهند و محیط‌های بزرگ عاری از هویت و هدفمندی، جایگزین آن‌ها می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). به سخن ساده‌تر در جامعه شهری امروز به‌ویژه جوامع شهری بزرگ موقعیت اجتماعی فرد، روابط اجتماعی او را تعیین می‌کند. در شهرهای بزرگ بیگانگی تقویت می‌شود، احساس تنهایی، ناتوانی و جدایی‌گزینی اجتماعی را در طبقات مختلف جامعه شهری به وجود می‌آورند. انسان شهرنشین چنین تصور می‌کند که از دیگران، حتی اطرافیان خود بریده است (شکویی، ۱۳۸۷: ۵۰۰-۴۹۹). همان‌گونه که جورج زیمل اشاره می‌کند، این شرایط جدید منجر به ایجاد یک «شخصیت مادر شهری» می‌شود. این شخصیت مادرشهری بر اساس اندیشه تونیز مبتنی بر روابط سرد، غیرشخصی و قراردادی است؛ برخلاف شخصیت روستایی که مبتنی بر روابط اجتماعی اولیه گرم اجتماع محلی است (شورچه، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در عصر مادرشهرهای مدرن نگاه به رابطه‌ی بین دو مفهوم (اجتماع محلی و محله) متفاوت و دگرگون شده است و به نظر می‌رسد، برخلاف شهرهای سنتی و شهرهای کوچک‌تر، انطباق فضایی، محله‌های شهری (به‌ویژه محله‌هایی که از طریق اداری و مدیریت شهری مرزبندی شده‌اند) با اجتماع محلی کمرنگ‌تر شده و این دو مفهوم در یک بستر تاریخی، به تبعیت از عوامل و ساختارهای گوناگون به‌ویژه ویژگی‌های عصر مدرن، دچار واگرایی شده‌اند.

در ایران نیز، محله و اجتماع محلی از دیرباز به‌عنوان عرصه‌های کالبدی و اجتماعی در شهرها مطرح بوده و به‌عنوان اجزای عملکردی و جغرافیایی شهرها به شماری آمدند که نقش اساسی در حیات اجتماعی شهرها داشته‌اند (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱). ظهور تغییرات ساختاری جدید (گسترش شتابان شهرنشینی و رواج مدرنیسم) به‌ویژه از دوره‌ی قاجار، اثر عمده‌ای در تغییر و تحول ساختار و عملکرد محله‌های شهری در ایران بجای گذاشت (حناچی و رضایی، ۱۳۹۴: ۳۲) که در دوره‌های بعدی باعث ازهم‌پاشیده شدن نظام سنتی محله‌ای به‌ویژه در شهرهای بزرگ ایران شد. تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر ایران پیشرو و معرف تغییرات به وجود آمده در ساختار محله‌های شهری ایران قلمداد می‌شود. حرکت در مسیر نوگرایی (چه به لحاظ تغییرات و نوسازی کالبدی و چه به لحاظ اجتماعی) و تمرکز شدید سرمایه در راستای سیاست‌های تمرکزگرایانه باعث شکل‌گیری مهاجرت‌های عظیمی از اقشار گوناگون جمعیت به این شهر شد که حاصل آن چندفرهنگی شدن این شهر است؛ به‌گونه‌ای که طیف وسیعی از اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی در محله‌های این شهر ساکن شدند. شهرنشینی شتابان، افزایش جمعیت (بیش از ۵۰۰۰ درصد) و وسعت تهران (بیش از ۲۵۰۰ درصد) در دو قرن گذشته از یک‌سو و تبدیل شدن به شهری با کارکردهای چندگانه از سوی دیگر سبب شکل‌گیری یک شخصیت مادرشهری ویژه با یک هویت غیرقابل بازتولید در شهرهای دیگر ایران، برای تهران شده است. زمینه‌های یادشده، باعث تحول مفهوم و رابطه‌ی محله و اجتماع محلی در مادرشهر تهران شده است. با عنایت به آنچه گفته شد، مسئله‌ی اساسی این است که محله‌های شهری موجود در تهران (محله‌هایی که از طریق اداری و مدیریت شهری مرزبندی شده‌اند مانند محله شمیران نو) با توجه به شرایط گفته‌شده تا چه میزان از ویژگی‌های اجتماع محلی برخوردار هستند که بتوان از ظرفیت‌های موجود در

آن‌ها برای دستیابی به محله‌های مطلوب با محتوای اجتماعی بهره برد؟ بحث اساسی دیگر این است که الزامات خاص زندگی در مادرشهر تهران و سبک زندگی تهرانی (شهرگرایی مادرشهری) چه میزان از تغییرات به وجود آمده در بحث میزان انطباق این دو مفهوم را می‌تواند پوشش دهد؟ با توجه به آنچه بیان شده ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان در محور تئوری و کاربردی مطرح کرد. واکاوی مفاهیمی مانند محله و اجتماع محلی و میزان انطباق و همبستگی فضایی آن‌ها در شهرها و تحلیلی که امروزه می‌توان در مقیاس مادرشهری برای این مفاهیم قائل شد، می‌تواند جایگاهی ویژه در علم جغرافیای شهری داشته باشد. از طرف دیگر در دهه‌های اخیر توجه به مفهوم محله، توسعه اجتماعات محلی، محله‌گرایی در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به تبعیت از پارادایم توسعه پایدار شهری و مباحثی چون نوشهرگرایی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. پرداختن به این مهم که تا چه اندازه الزامات زندگی در مادرشهرهایی چون تهران می‌تواند عملی شدن محله‌گرایی و توسعه اجتماع محلی را به چالش بکشد، امری ضروری است.

پیشینه‌ی توجه و حساسیت نسبت به مفهوم «محله» و «اجتماع محلی» در دوره‌ی مدرن، به پژوهش انگلس (۱۸۴۴) و هنری می‌هیو^۱ (۱۸۶۱) از محله‌های زاغه‌نشین لندن در سده‌ی نوزدهم؛ مطالعات جامعه‌شناسان، تونیز (۱۸۸۷)، دورکیم (۱۸۹۳)، زیمل (۱۹۰۳)، کولی (۱۹۰۹)، پارک و همکاران (۱۹۲۵) و ویرث (۱۹۳۸) در مکتب شیکاگو درباره‌ی گونه‌شناسی، شکل‌گیری و تحول محله‌های شهری؛ طرح‌های باغشهر اینزرهاوارد (۱۹۰۳) در انگلستان و پس از او، طرح واحد محله‌ی کلرنس پری (۱۹۲۹) در آمریکا بازمی‌گردد که سپس از طریق دیدگاه‌های بانفوذ برخی شهرشناسان از جمله: مامفورد، جیکوبز (۱۹۶۱) و گانز (۱۹۶۲) و هم‌زمان با آن‌ها، دستور کارهای برنامه‌ریزان شهری دیودف (۱۹۶۵) و ارنشتاین (۱۹۶۹) ابعاد بسیار گسترده‌تری به خود می‌گیرد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). از مهم‌ترین نهضت‌های فکری که در چند دهه اخیر به نقد پیامدهای منشور مدرن در شهرها و محله‌ها پرداخته است، نوشهرگرایی هستند. نوشهرگرایی معتقد است که بازگشت به الگوی محلات سنتی برای ایجاد جوامع پایدار و کارا لازم است و توسعه سنتی محلات در کانون توجه آن قرار دارد (مارک ای. ویس، ۱۳۸۷: ۹۳-۸۹). دو نظریه مهم در این راستا عبارت‌اند از: توسعه واحدهای همسایگی سنتی که نخستین بار توسط آندره دوانی و الیزابت زیرک مطرح شد و نظریه توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی که بانی آن پیتر کالترپ بوده است.

از جمله دیگر تحقیقات تجربی انجام‌شده در خصوص موضوع پژوهش که مورد توجه مقاله‌ی حاضر قرار گرفته است می‌توان به تحقیقات بی هوپر (۲۰۰۹) "شهرگرایی پاسخی به فرآیندهای شهرنشینی جدید"؛ مارک لیوینگستون و همکاران "دلبستگی به محله در مناطق محروم: محله‌هایی از شمال ایرلند"؛ اریک فیزان (۲۰۱۰) "ارتباط بین محله و اجتماع محلی در آنکارا، مقایسه محله‌ی مرکزی و حومه شهر"؛ پارک و راجرز (۲۰۱۵) "برنامه‌ریزی محله‌ای، رهنمودها و تحقیقات" در سطح جهانی اشاره کرد. از جمله تحقیقات داخلی نیز می‌توان به پژوهش‌های صرافی و همکاران (۱۳۸۸): بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران "؛ عبدالله زاده طرف و همکاران (۱۳۸۹) "بسط مفهوم محله با آناتومی مفهوم اجتماع"؛ عبداللهی (۱۳۹۲) "ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری کلان‌شهر شیراز در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی"؛ موسوی و صفری (۱۳۹۴) "رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای"؛ زبیری و حبیبیان (۱۳۹۵) "محلات همزیست معرفی الگویی از اجتماع محلی پایدار"؛ زمانزاده دربان (۱۳۹۶) "سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل"؛ حسینی و سلطانی (۱۳۹۷) "تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر"؛ رحمت‌آبادی (۱۳۹۸) "محله، روابط همسایگی و انزوای اجتماعی"؛ سلیمانی و همکاران (۱۳۹۸) "بررسی بر ساخت محله و اجتماع محلی در گفتمان‌های شهرشناسی و برنامه‌ریزی شهری (نگاهی به تجربه‌ی جهانی و ایران)"؛ و معروفی و دولابی (۱۳۹۹) "معاصر سازی مفهوم "محله" در شهر ایرانی با نگاه بر میانی برنامه‌ریزی محله مینا" اشاره کرد. همان‌طور که بیان شد موضوع محله و اجتماع محلی از سوی اندیشمندان و پژوهشگران رشته‌های چون جامعه‌شناسی شهری، مردم‌شناسی، معماری، جغرافیای شهری، اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته و از زوایای خاص به آن نگریده‌اند. در این پژوهش از نتایج تحقیقات پیش‌گفته استفاده شده است، اما آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد،

1. Henry Mayhew

نحوه برخورد با موضوع است که در یک قالب منسجم هر دو مفهوم محله و اجتماع محلی (ویژگی‌های مکانی و اجتماعی محله) و مصداق آن را به صورت تجربی در مادرشهر تهران و محله شمیران نو در چارچوب دیدگاه جغرافیای اجتماعی شهر بررسی می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش ضمن تأکید بر جنبه کاربردی بودن آن، با فن پیمایشی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها اسنادی - میدانی از طریق پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده بوده است. برای عملیاتی کردن متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از مطالعه مبانی نظری و تحقیقات پیشین، شرایط و زمینه‌های خاص اجتماعی - فرهنگی شهر تهران مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌هایی در ارتباط با ویژگی‌های اجتماع محلی و شهرگرایی استخراج گردیده است. همان گونه که در جدول ۱ ذکر شده است، دو بعد و سه مؤلفه، ۱۰ شاخص در قالب ۷۳ گویه (سؤال) برای سنجش وضعیت ویژگی‌های اجتماع محلی و شهرگرایی در محله‌ی شمیران نو مادرشهر تهران تعریف شده است. قابل ذکر است در ارزش‌گذاری هریک از سؤالات از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (به ترتیب از کدهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵) استفاده شده است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای پرسشنامه محقق ساخته بوده است که روایی آن بر اساس نظر اساتید و صاحب‌نظران و پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ با ضریب ۰/۸۰۵ تأیید شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش ساکنین محله‌ی شمیران نو بوده که بر اساس موقعیت و تعداد بلوک‌های موجود در محله تعداد ۱۰۰ پرسشنامه در میان ساکنین توزیع شده است. مهم‌ترین روش شناخت برای بررسی وضعیت ویژگی‌های اجتماع محلی و شهرگرایی، خود مردمان ساکن در یک محله هستند؛ زیرا بیشتر تحقیقاتی که توسط جامعه‌شناسان شهری و جغرافیادانان شهری نیز در این زمینه انجام شده کارآمدی این رویکرد (پدیدارشناسی، بررسی‌های میدانی، پرسشنامه و مصاحبه) را نشان داده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های کمی و آماری (توصیفی و استنباطی) شامل آزمون تی تک نمونه‌ای و رگرسیون چند متغیره در قالب جدول‌ها و نمودارها بهره گرفته شده است.

جدول ۱. ضریب پایایی شاخص‌های پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ

نوع متغیر	بعد	مؤلفه	شاخص	تعداد گویه	ضریب پایایی (Alpha)
متغیر وابسته	اجتماع محلی	هویت محله - ای	حس تعلق و دلبستگی مکانی به محله	۹	۰/۸۸۵
			حس تعهد محله‌ای	۵	۰/۷۵۰
		تعاملات و همبستگی اجتماعی	روابط همسایگی	۸	۰/۷۶۸
			مشارکت رسمی و غیررسمی در سطح محله	۶	۰/۸۶۵
			اعتماد و امنیت اجتماعی در سطح محله	۷	۰/۷۵۴
متغیر مستقل	شهرگرایی	شهرگرایی	دسترسی به خدمات شهری	۷	۰/۷۲۳
			سبک زندگی مادرشهری	۷	۰/۷۷۴
			روابط اجتماعی در شهر	۴	۰/۸۲۳
			منفعت‌گرایی	۴	۰/۸۲۸
			فناوری‌های نوین ارتباطی	۶	۰/۷۵۰
جمع	۲	۳	۱۰	۷۳	۰/۸۰۵

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس مطالعات نظری، ۱۳۹۸

محدوده مورد مطالعه

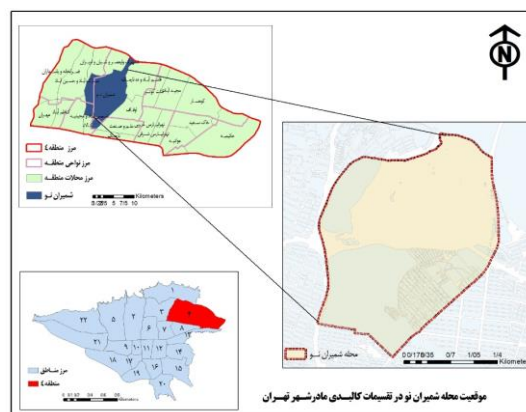
طبق تقسیمات شهری تهران، محله شمیران نو در ناحیه ۷ از منطقه ۴ شهرداری تهران واقع شده است و از لحاظ موقعیت جغرافیایی از سمت شمال به جنگل لویزان و محله ولیعصر و شیان، از جنوب خیابان‌های شهید صبوری و شهید حسینی و محله کالاد، از سمت شرق به خیابان هنگام و محله علم و صنعت و از طرف غرب به خیابان امام علی (ع) محدود می‌گردد. این محله بدون رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی و باکیفیت نازل توسط مهاجرین طی سال‌های ۱۳۵۰ به بعد شکل گرفته و گستره محله پس از تقسیمات جدید در سال ۱۳۸۷، افزایش یافت. به این ترتیب که بخشی از جنگل لویزان در محدوده جغرافیایی شمیران نو قرار

گرفت. نتایج حاصل از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۵، نشان می‌دهد محله شمیران نو ۴۵۸۸۷ نفر جمعیت داشته که نسبت به سال ۸۵ حدود ۲۱۰۰ نفر از این جمعیت کاسته شده است. محله مورد مطالعه حدود ۵ درصد از جمعیت ۹۱۱۹۹۵ نفری کل منطقه چهار را شامل می‌شود. تراکم جمعیتی محله شمیران نو در سال ۸۵ معادل ۷۷ نفر در هکتار بوده که در سال ۹۵ به ۷۳ نفر در هکتار کاهش یافته است. برخلاف محله شمیران نو، تراکم جمعیتی منطقه چهار شهرداری تهران از ۱۳۱ نفر در سال ۸۵، به حدود ۱۴۹ نفر در هکتار در سال ۹۵ افزایش یافته است. بعد خانوار محله ۳/۱۹ نفر به ازای هر خانوار بوده که نسبت به سال ۸۵، حدود ۰/۵ کاهش پیدا کرده است. درصد کل مهاجران حاضر در محله شمیران نو (۵ سال اخیر) بر اساس آمار سال ۸۵، در حدود ۱۷ درصد از کل جمعیت بوده در حالی که در سال ۹۵ این میزان به ۷ درصد کاهش پیدا کرده است. وضعیت مهاجرپذیری منطقه چهار نیز از ۱۲ درصد در سال ۸۵ به ۴ درصد در سال ۹۵ کاهش داشته است. در محله شمیران نو به ازای هر ۱۰۰ زن تعداد ۱۰۵ مرد وجود داشته که نسبت به سال ۸۵ حدود ۴ نفر کمتر شده است. نسبت جنسی محله در سال ۹۵، از نسبت جنسی منطقه چهار که ۹۹ نفر بوده حدود ۶ نفر بالاتر بوده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی محله شمیران نو در مقایسه با منطقه چهار

سال	مقیاس	جمعیت کل	نسبت جنسی	درصد جمعیت خردسال	درصد جمعیت بزرگسال	درصد جمعیت کهن سال	بعد خانوار	درصد کل مهاجران	تراکم (نفر در هکتار)
۸۵	محله	۴۸۰۰۱	۱۰۹/۵۴	۲۱/۶	۷۴/۴۵	۳/۹۴	۳/۶۶	۱۶/۷۴	۷۶/۶۵
	منطقه	۸۰۵۲۳۱	۱۰۶/۱۰	۱۸/۸۸	۷۶/۳۷	۴/۷۴	۳/۴۹	۱۲/۸۸	۱۳۱/۴۸
۹۵	محله	۴۵۸۸۷	۱۰۵/۲۵	۲۲/۵۸	۷۱/۷۳	۵/۶۸	۳/۱۹	۶/۶۸	۷۳/۲۸
	منطقه	۹۱۱۹۹۵	۹۹	۱۴/۸۷	۷۷/۷۱	۷/۴۱	۳/۰۱	۳/۸۵	۱۴۸/۹۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محله شمیران نو در تقسیمات کالبدی کلان‌شهر تهران

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های توصیفی و جمعیت‌شناختی

بر اساس نتایج حاصل از استخراج داده‌های پرسشنامه‌های توزیعی در سطح محله شمیران نو (جدول شماره ۳)، ۷۵ درصد از پاسخگویان را مرد و مابقی را زنان تشکیل داده‌اند. بیشتر پاسخگویان با ۵۵ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۴۰ سال قرار داشته‌اند. به لحاظ مالکیت ۹۰ درصد افراد نمونه مالک و مابقی مستأجر بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان محله شمیران نو از میزان تحصیلات بالایی برخوردار نبودند به طوری در حدود ۴۴ درصد آن‌ها دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۲۸ درصد زیر دیپلم و با تحصیلات ابتدایی و ۲۸ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی با مدرک لیسانس بوده‌اند. بیش از ۳۰ درصد ساکنین محله شمیران نو دارای شغل کاسبی و فروشندگی بوده‌اند. تعداد افراد با شغل دولتی در این محله بسیار پایین بوده است و بعد از فروشندگی بیشتر آن‌ها دارای شغل‌های آزاد با درآمد پایین بوده‌اند. با توجه به این وضعیت، بیشتر افراد پرسش‌شونده در سطح محله مغازه‌دار و فروشنده بوده‌اند و در حدود

۶۸ درصد افراد در محله خود مشغول به کار بوده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از برداشتهای میدانی نشان داده است بیشتر ساکنین محله شمیران نو آذری‌زبان و ۳۵ درصد نیز فارس زبان هستند که بیش از ۷۵ درصد آن‌ها اظهار کرده‌اند بیش از ۲۰ سال است که در این محله اقامت داشته‌اند. قابل‌ذکر است میزان ساکنینی که کمتر از ۵ سال اقامت داشته باشند در این محله بسیار پایین می‌باشد. با توجه به میزان اقامت بالای ساکنین در حدود ۶۰ درصد آن‌ها نیز متولد خود محله شمیران نو بوده‌اند. به همین ترتیب ۱۷ درصد در محله‌های دیگر و ۲۱ درصد نیز از خارج از تهران به این محله مهاجرت نموده‌اند. درنهایت نکته قابل‌تأمل این است که تمامی افراد مورد پرسش در محله اظهار کرده‌اند که آگاهی کامل نسبت به اسم محل سکونت خود (شمیران نو) داشته‌اند و مرزهای محله برایشان قابل‌تعریف است.

جدول ۳. ویژگی‌های توصیفی جامعه مورد مطالعه (محله شمیران نو)

جنسیت		مرد		زن	
درصد فروانی		۷۵		۲۵	
سن (سال)		سال ۱۷-۲۵		سال ۴۱-۶۰	
درصد فروانی		۱۵		۳	
مدت سکونت (سال)		کمتر از ۵		بیشتر از ۲۰	
درصد فروانی		۱۴		۷۶	
مالکیت		مالک		مستأجر	
درصد فروانی		۹۱		۹	
شغل		آزاد		کارمند	
درصد فروانی		۱۳		۳	
محل کار		داخل محله		خارج محله	
درصد فروانی		۶۸		۳۲	
تحصیلات		بی‌سواد		زیر دیپلم	
درصد فروانی		۲۸		۴۴	
قومیت		فارس		آذری	
درصد فروانی		۳۵		۵۹	
محل تولد		تهران (خود محله)		تهران (خارج از محله)	
درصد فروانی		۶۲		۱۷	
آگاهی به اسم محله		میدانم		نمی‌دانم	
درصد فروانی		۱۰۰		-	

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های میدانی، ۱۳۹۸

سازمان فضایی و کاربری اراضی محله شمیران نو

بر اساس داده‌های جدول ۴، از کاربری‌های هفت‌گانه محله شمیران نو، کاربری فضای سبز شهری با ۱۹ مترمربع بیشترین میزان سرانه را به خود اختصاص داده است. این میزان در مقایسه با سرانه‌ی پیشنهادی منطقه ۴ و کل تهران بالاتر بوده است. قابل‌ذکر است در این محاسبه، پهنه‌ی سبز لویزان در نظر گرفته نشده است و صرفاً پارک‌ها و بوستان‌های موجود در سطح محله محاسبه شده است. همین امر باعث شده که اغلب ساکنین محله شمیران نو میزان دسترسی به فضاهای سبز و تفریحی را مناسب ارزیابی کنند. سرانه‌ی فضاهای آموزشی در محله برابر ۰/۴ مترمربع بوده که از سرانه‌ی پیشنهادی و همچنین سرانه‌ی آموزشی کل منطقه ۴ بیشتر بوده است اما ارزیابی آن از دید ساکنین محله چندان رضایت‌بخش نبوده است و دارای میانگینی کمتر از میانگین متوسط تحقیق بوده است. کاربری مذهبی در سطح محله شمیران نو با ۱۹۶۲۹ مترمربع دارای سرانه‌ی ۰/۱۲ مترمربع بوده که در مقایسه با سرانه‌ی پیشنهادی و همچنین منطقه ۴ و کل تهران در حد تقریباً یکسانی بوده است. به همین علت ارزیابی ساکنین محله از دسترسی به فضاهای مذهبی بسیار مناسب ارزیابی شده است. نکته قابل‌ذکر دیگر پایین بودن سرانه‌ی کاربری بهداشتی -

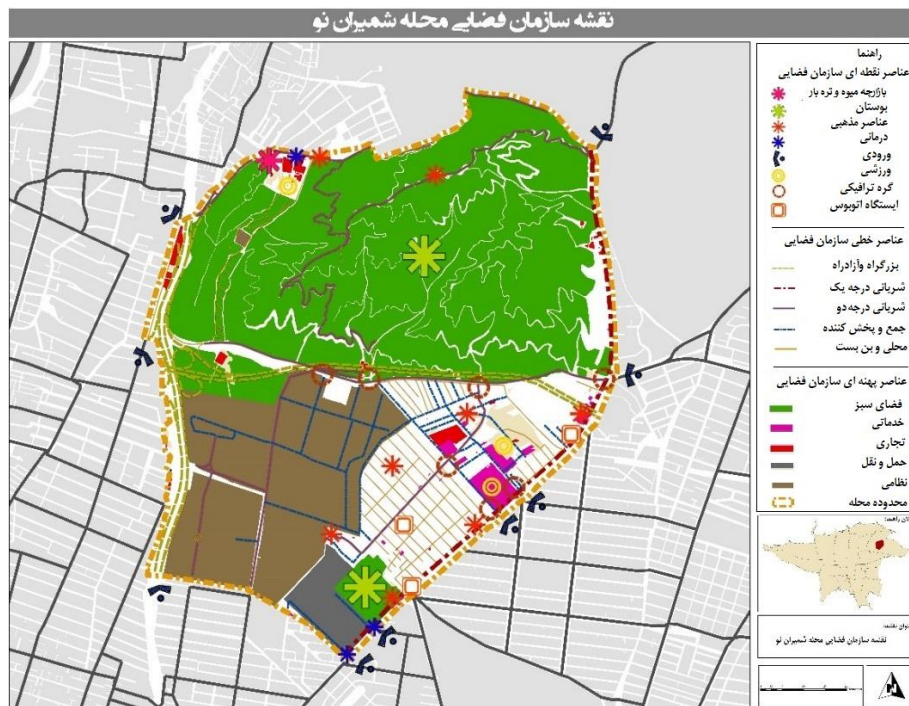
درمانی در این محله است که برابر ۰/۰۶ مترمربع بوده و در مقایسه با سرانه‌ی پیشنهادی سازمان نوسازی و همچنین سرانه‌ی خدمات بهداشتی- درمانی منطقه ۴ و کل تهران پایین تر بوده است.

جدول ۴ کاربری اراضی و سرانه خدمات هفت‌گانه محله شمیران نو و مقایسه آن با سطوح بالاتر

محله شمیران نو		سرانه پیشنهادی سازمان نوسازی برای محلات (مترمربع)	منطقه (مترمربع)	تهران (مترمربع)	کاربری
مساحت (مترمربع)	سرانه (مترمربع)				
۰/۴۱	۱۹۶۲۹	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۸	آموزشی
۰/۱۲	۵۶۵۵	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۳	مذهبی
۰/۰۰	۲۱۶	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۳	فرهنگی
-	-	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۹	ورزشی
۰/۰۲	۷۵۷	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۱	پذیرائی
۰/۰۶	۳۰۴۷	۰/۱۵	۰/۳۳	۰/۳	بهداشتی-
۱۸/۸۶	۹۱۳۸۶۵	۱	۱۵/۴۵	۸	فضای سبز

مأخذ: محاسبات نگارنده بر اساس نقشه‌های پایه طرح جامع تهران، ۱۳۸۶، نقشه‌های پایه شهرداری منطقه ۴ تهران، ۱۳۹۵

سازمان فضایی محله شمیران نو سه پهنه‌ی بزرگ را در سطح محله نشان می‌دهد (شکل ۲)، به‌طوری‌که پهنه‌ی نظامی (پادگان نظامی کوهک) در شرق محله، پهنه‌ی سبز لویزان در شمال محله و پهنه‌ی مسکونی که در محور غربی- جنوبی محله واقع شده است. این نوع پهنه‌بندی تمایز محله را با دیگر محله‌های منطقه چهار نشان می‌دهد. با توجه به سلسله‌مراتب شبکه معابر، ساختار هندسی محورهای محله شمیران نو به‌صورت شطرنجی می‌باشد. بررسی نظام کلی شبکه‌بندی و الگوی معابر محله شمیران نو، نشان از یک ساختار نسبتاً شطرنجی منسجم و منظم در بخش مرکزی محله است. این محله با لبه‌های قوی (معابر شریانی درجه‌یک همچون خیابان هنگام، بزرگراه زین‌الدین و بزرگراه امام علی (ع)) محدود شده است که علاوه بر تعیین محدوده و مشخص نمودن مرز فیزیکی و محدود نمودن مرز و لبه پیرامون محله، به بهترین نحو ترافیک و سفرها را به محله و همچنین به سایر نقاط شهر انتقال می‌دهند. معابر لبه محله شمیران نو در توزیع فضایی مناسب کاربری‌ها، خدمات شهری و شکل‌دهی الگوی شبکه معابر محله نقش بسیار مهمی داشته است. خیابان هنگام به‌عنوان یک خیابان شریانی درجه‌یک لبه‌ی شرقی محله، بزرگراه زین‌الدین (بلوار استقلال) و بزرگراه امام علی لبه‌های شمالی و غربی محله شمیران نو را تشکیل داده‌اند و به‌نوعی این محله را از دیگر محله‌های اطراف جدا کرده‌اند. خیابان غفاری به‌عنوان یک خیابان جمع و پخش‌کننده مسیر مرکزی محله را شکل می‌دهد و به‌نوعی مهم‌ترین خیابان این محله است. جهت‌گیری عمومی منطقه شمال شرقی- جنوب غربی متناسب با جهت عمومی شیب محله و به‌تبع آن محورهای اصلی منطقه نیز دارای جهت شمال شرقی- جنوب غربی و شرقی - غربی بوده و درعین‌حال محورهای شمالی - جنوبی و شمال شرقی- جنوب غربی و شرقی - غربی اتصال‌دهنده این ناحیه با سایر نقاط شهر تهران می‌باشند. درعین‌حال ساختار شبکه و استخوان‌بندی موجود منطقه نسبتاً منظم و دارای سلسله‌مراتب می‌باشد. این ناحیه با داشتن بزرگراه‌های زین‌الدین، امام علی و خیابان هنگام توانایی انتقال ترافیک عبوری محله را به ناحیه و منطقه به شکل نسبتاً مطلوبی انجام می‌دهد. در محله شمیران نو دو خیابان واریاز و شمیران نو (ابوذر غفاری) از مهم‌ترین معابر این محله می‌باشند که مسیر حرکت وسایل حمل‌ونقل عمومی از جمله اتوبوس و تاکسی می‌باشند و نزدیک به ۸۵ درصد مردم محله از ایستگاه‌های موجود در این دو خیابان جهت رفت‌وآمد به سایر نقاط شهر استفاده می‌کنند.



شکل ۲. سازمان فضایی محله شمیران نو

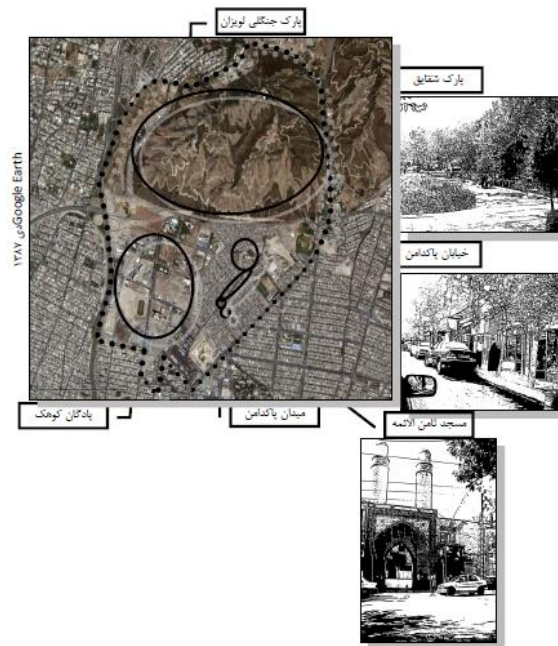
مأخذ: ترسیم نگارنده بر اساس نقشه های پایه طرح جامع تهران، ۱۳۸۶؛ تصاویر هوایی و برداشت های میدانی، ۱۳۹۸

از مهم ترین کاربری های شاخص که می توانند نقش نشانه را برای محله ایفا کنند می توان به مسجد ثامن الائمه، پارک جنگلی لویزان، خیابان پاکدامن (مراکز خرید)، میدان پاکدامن (شمیران نو)، پادگان کوهک و پارک شقایق اشاره کرد. هر کدام از این محله های دارای ویژگی های خاصی مانند ارزش داشتن از لحاظ تاریخی، محوریت داشتن، مرکزیت داشتن، وسعت، خاطره انگیز بودن و... هستند که در جدول ۵، بر اساس نظر ساکنین ارزش گذاری شده اند.

جدول ۵. نشانه های شاخص محله شمیران نو و ارزش دهی آن ها از نظر ساکنین محله

پارک شقایق	پادگان کوهک	میدان شمیران نو (پاکدامن)	خیابان پاکدامن (مراکز خرید)	پارک جنگلی لویزان	مسجد ثامن الائمه	نشانه ها معیارها
۰/۵	۲	۰/۵	۱	۳	۰/۰۵	ارزش تاریخی داشتن
۱	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۴	۲/۵	داشتن زیبایی منظر (کالبدی)
۲	۱	۱/۵	۲/۵	۴	۱/۵	خاطره انگیز بودن
۱	۳	۰/۵	۲	۴	۱	وسعت
۲	۲	۰/۵	۰/۵	۴	۰/۵	داشتن مناظر ویژه طبیعی
۱	۱/۵	۳	۴	۴	۱/۵	محوریت داشتن
۱/۵	۱/۵	۱	۴	۴	۱	مرکزیت داشتن (تسلط فضایی)
۲	۱	۰/۵	۳	۴	۲	واضح و نمایان بودن
۱۱	۱۲/۵	۸	۱۲/۵	۳۱	۱۰/۵	جمع کل
۱/۴	۱/۵	۱	۲/۱	۳/۹	۱/۳	میانگین

مأخذ: نگارنده بر اساس برداشت های میدانی، ۱۳۹۸



شکل ۳. پراکنش جغرافیایی برخی نشانه‌های خاص محله شمیران نو

مأخذ: نگارنده بر اساس برداشت‌های میدانی، ۱۳۹۸

سنجش شاخص‌های اجتماع محلی در محله

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش شاخص‌های اجتماع محلی در محله شمیران نو که در جدول ۶ ارائه شده است، نشان می‌دهد همه شاخص‌ها به‌غیر از شاخص‌های روابط همسایگی در سطح محله و دسترسی به خدمات شهری در مقیاس محله، دارای سطح معناداری (۰/۰۰۰) پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده که نشانگر معنادار و قابل بررسی بودن شاخص‌ها در حد اطمینان ۹۵٪ است. سطح معنی‌داری ۰/۲۲۵ و ۱، همچنین مثبت و منفی بودن کرانه‌های بالا و پایین در شاخص روابط همسایگی و دسترسی، عدم اختلاف میانگین مفروض و واقعی را تأیید می‌کند. با توجه به این که مقیاس پرسشنامه طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (۱ تا ۵) بوده است، میانگین مفروض عدد ۳ در نظر گرفته شده است. بیشترین میانگین به دست آمده مربوط به شاخص حس تعلق و دلبستگی محله‌ای بوده که دارای اختلاف ۰/۳۱ با میانگین مفروض بوده است. همچنین میانگین حاصل شده برای شاخص حس تعهد محله‌ای برابر با ۳/۱۹ بوده که دارای اختلاف ۰/۱۹ با میانگین مفروض پژوهش بوده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که شاخص‌های روابط همسایگی، مشارکت رسمی و غیررسمی در سطح محلی و امنیت و اعتماد به ترتیب با میانگین ۲/۳۷ و ۲/۷۴ دارای اختلاف منفی با میانگین مفروض بوده‌اند هرچند اختلاف شاخص همسایگی بسیار ناچیز بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت میزان حس تعلق و دلبستگی به محله و حس تعهد محله‌ای ساکنین محله شمیران نو در تهران نسبت بالا بوده است. این در حالی است که میزان روابط همسایگی و مشارکت در سطح محله بسیار پایین بوده است.

بر اساس نتایج آزمون (جدول ۷)، مؤلفه‌ی هویت محله‌ای که دارای دو شاخص حس تعلق و دلبستگی و حس تعهد محله‌ای ساکنین بوده در سطح اطمینان ۹۵٪ دارای مقدار معناداری ۰/۰۰۰ قابل قبولی بوده است. مثبت بودن حد بالا و پایین آزمون نیز نشان می‌دهد که اختلاف میانگین معناداری در این مؤلفه وجود دارد. میانگین واقعی مؤلفه‌ی هویت محله‌ای در محله شمیران نو معادل ۳/۲۲ بوده که دارای اختلاف ۰/۲۲ با میانگین مفروض پژوهش است؛ بنابراین، نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که سطح هویت محله‌ای در محله شمیران نو در حد متوسط و روبه بالای بوده و ساکنین نسبت به محله‌ی خود حس تعلق، دلبستگی و تعهد نسبی دارند. در خصوص مؤلفه‌ی تعاملات و همبستگی اجتماعی که با استفاده از سه شاخص روابط همسایگی، مشارکت، امنیت و اعتماد سنجیده شده است، میانگین به دست آمده معادل ۲/۶۸ بوده است. همچنین مقدار معناداری (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان بالا و منفی بودن هر دو حد بالا و پایین نشان از تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها دارد. نتیجه آزمون تی نشان می‌دهد که سطح تعاملات و

همبستگی اجتماعی ساکنین محله شمیران نو پایین‌تر از میانگین مفروض و در حد پایینی می‌باشد؛ بنابراین برخلاف هویت محله-ای، سطح تعاملات اجتماعی در محله موردنظر در حد پایینی ارزیابی می‌شود.

جدول ۶. سنجش شاخص حس تعلق و دلبستگی به محله شمیران نو با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای

وضعیت	سطح اطمینان ۹۵%		سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین واقعی	انحراف معیار	آماره T	تعداد	شاخص
	حد بالا	حد پایین							
متوسط رو به بالا	۰/۴۴	۰/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۳۱	۳/۳۱	۰/۶۳۵	۴/۸۷۸	۱۰۰	تعلق و دلبستگی به محله
متوسط رو به بالا	۰/۳۴	۰/۰۴	۰/۰۱۰	۰/۱۹۸	۳/۱۹	۰/۷۶۰	۲/۶۱	۱۰۰	حس تعهد محله‌ای
متوسط	۰/۰۳	-۰/۱۵	۰/۲۲۵	-۰/۰۵۶	۲/۹۴	۰/۴۶۰	-۱/۲۲	۱۰۰	روابط همسایگی
پایین	-۰/۴۷	-۰/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۶۲	۲/۳۷	۰/۷۶۲	-۸/۱۹۲	۱۰۰	مشارکت رسمی و غیررسمی
متوسط رو به پایین	-۰/۰۷	-۰/۴۴	۰/۰۰۶	۰/۲۶	۲/۷۴	۰/۹۱۶	-۲/۸۳۸	۱۰۰	امنیت و اعتماد
متوسط	۰/۱۵	-۰/۱۵	۱	۰/۰۰۰	۳	۰/۷۷۱	۰/۰۰۰	۱۰۰	دسترسی‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های میدانی، ۱۳۹۸

جدول ۷. سنجش مؤلفه‌های پژوهش در محله شمیران نو با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای

وضعیت	سطح اطمینان ۹۵%		سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین واقعی	انحراف معیار	آماره T	تعداد	مؤلفه
	حد بالا	حد پایین							
متوسط و روبه بالا	۰/۳۲	۰/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۲۲	۳/۲۲	۰/۵۰۶	۴/۳۳۶	۱۰۰	هویت محله‌ای
پایین	-۰/۲۲	-۰/۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۳	۲/۶۸	۲/۶۸۶	-۶/۵۰۴	۱۰۰	تعاملات و همبستگی اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های میدانی، ۱۳۹۸

روابط و تأثیرات شهرگرایی بر ویژگی‌های اجتماعی محلی در محله شمیران نو

بررسی تأثیر و روابط بین شاخص‌های شهرگرایی به‌عنوان متغیرهای مستقل پژوهش و مؤلفه‌ی هویت محله‌ای به‌عنوان متغیر وابسته در محله‌ی شمیران نو (جدول ۸)، نشان می‌دهد میزان همبستگی (R) آن‌ها برابر ۰/۶۰۳ بوده است. این رقم بیانگر همبستگی نسبتاً بالا از نوع مثبت و مستقیم بین متغیرهای تحقیق دارد. قابل‌ذکر است که متغیرهای مستقل به‌خوبی توانسته‌اند حدود ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی و تبیین کنند و سایر تغییرات مرتبط با عوامل دیگری بوده که خارج از مدل تحقیق می‌باشد. سطح معناداری رگرسیون انجام‌شده در آزمون آنوا معادل ۰/۰۰۰ بوده است که رقم قابل‌قبولی را نشان می‌دهد. همچنین سطح معناداری به‌دست‌آمده برای متغیرها نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقل دارای روابط معنادار با متغیر وابسته یعنی هویت محله‌ای هستند. نتایج حاصل از ضریب بتا نشان می‌دهد متغیر سبک زندگی با ضریب ۰/۵۶۷ بیشترین تأثیر را بر متغیر هویت محله‌ای داشته است. همچنین ضرایب به‌دست‌آمده برای متغیرهای روابط اجتماعی در شهر، منفعت‌گرایی و فناوری به ترتیب برابر ۰/۲۰۷، ۰/۶۷ و -۰/۲۰۴ بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که این سه متغیر بر متغیر هویت محله‌ای در محله شمیران نو دارای تأثیرات منفی و کاهش‌ی بوده‌اند بدین معنی که هر چه از میزان این شاخص‌ها در سطح روابط اجتماعی ساکنین کاسته شود بر میزان متغیر هویت محله‌ای افزوده خواهد شد.

جدول ۸. روابط و تأثیرات متغیرهای شهرگرایی بر هویت محله‌ای در محله شمیران نو

Sig	F	df	Sig	T	BETA	SE	B	متغیرهای پیش‌بین (مستقل)
.۰/۰۰۰	۱۳/۵۴	۴	.۰/۰۰۰	۵/۳۹۹	-	۰/۴۷۲	۲/۵۴۷	مقدار ثابت
			.۰/۰۰۰	۶/۳۹۷	۰/۵۶۷	۰/۰۸۱	۰/۵۲۱	سبک زندگی شهری
			۰/۰۴۲	-۲/۰۶۰	-۰/۲۰۷	۰/۰۹۳	-۰/۱۹۲	روابط اجتماعی در شهر
			.۰/۰۰۰	-۰/۷۲۳	-۰/۰۶۷	۰/۰۵۸	-۰/۰۴۲	منفعت‌گرایی
			۰/۰۳۵	-۲/۱۳۴	-۰/۲۰۴	۰/۰۶۶	-۰/۱۴۰	فناوری‌های نوین ارتباطی
Adjusted R Square= ۰/۳۳۶			R Square= ۰/۳۶۳			R= ۰/۶۰۳		

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های میدانی، ۱۳۹۸

نتایج تأثیر و رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و دیگر متغیر وابسته تحقیق به نام تعاملات و همبستگی اجتماعی در سطح محله شمیران نو با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره در جدول ۹، نشان داده شده است. مقدار همبستگی مابین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق برابر ۰/۷۱۴ بوده که همبستگی مثبت- مستقیم و بالایی را نشان می‌دهد به طوری که متغیرهای مستقل توانسته‌اند در حدود ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. سطح معناداری در آزمون آنوا برابر ۰/۰۰۰ بوده که سطح معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ را برای تحلیل سایر موارد از مدل تأیید می‌کند. قابل ذکر است سطح معناداری تمامی متغیرهای مستقل نیز کمتر از ۰/۰۵ بوده و قابل تفسیر است. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد متغیر سبک زندگی شهری دارای بیشترین تأثیر مثبت بر تعاملات و همبستگی اجتماعی در سطح محله شمیران نو بوده که ضریب بتای آن معادل ۰/۷۵۸ بوده است. منفعت‌گرایی در زندگی مادرشهری با ضریب بتای ۰/۲۸۱- و فناوری‌های نوین با ضریب بتای ۰/۱۱۸- دارای تأثیرات منفی و کاهش سطح تعاملات و همبستگی‌های اجتماعی در سطح محله شمیران نو بوده‌اند. همچنین متغیر روابط اجتماعی در شهر با ضریب بتای ۰/۲۵۱- باعث کاهش سطح هویت محله‌ای ساکنین شده است. بنا بر آنچه گفته شد می‌توان ذکر کرد متغیرهای روابط اجتماعی در شهر، منفعت‌گرایی و فناوری‌های ارتباطی نوین باعث کاهش ویژگی‌های اجتماع محلی در قالب متغیرهای هویت محله‌ای و تعاملات اجتماعی در سطح محله شمیران نو تهران شده‌اند.

جدول ۹. روابط و تأثیرات متغیرهای شهرگرایی بر تعاملات و همبستگی اجتماعی در محله شمیران نو

Sig	F	df	Sig	T	BETA	SE	B	متغیرهای پیش‌بین (مستقل)
.۰/۰۰۰	۲۴/۶۵	۴	۰/۰۳۵	۱/۷۴۲	-	۰/۳۹۴	۰/۶۸۷	مقدار ثابت
			.۰/۰۰۰	۹/۷۴۳	۰/۷۵۸	۰/۰۶۸	۰/۶۶۴	سبک زندگی شهری
			۰/۰۰۶	-۲/۸۴۱	-۰/۲۵۱	۰/۰۷۸	-۰/۲۲۱	روابط اجتماعی در شهر
			۰/۰۰۱	-۳/۴۳۰	-۰/۲۸۱	۰/۰۴۸	-۰/۱۶۶	منفعت‌گرایی
			۰/۰۰۲	-۱/۴۰۰	-۰/۱۱۸	۰/۰۵۵	-۰/۰۷۷	فناوری‌های نوین ارتباطی
Adjusted R Square= ۰/۴۸۹			R Square= ۰/۵۰۹			R= ۰/۷۱۴		

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های میدانی، ۱۳۹۸

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی نشان داد که اغلب ساکنین محله نسبت به خیابان‌ها، مکان‌های عمومی، میدان‌ها، پاتوق‌ها و مرکز محله خود آشنایی بالایی دارند و تصویر ذهنی به نسبت خوبی از نشانه‌های کالبدی محله خود دارند. بر اساس نتایج، محله شمیران نو برای ساکنین خود یک فضای خودمانی قلمداد می‌شود و این فضا برای بیش از ۶۰ درصد از ساکنین آن یادآور خاطرات، رویدادها و اتفاقات خاصی بوده است. همچنین برای ساکنین محله شمیران نو اهمیت دارد که چه افرادی همسایه و هم‌محله‌ای آن‌ها می‌شوند. از طرفی، ساکنان محله چندان از وضعیت محله خود رضایت ندارند و محله خود را برای سکونت به دیگران پیشنهاد نمی‌دهند. در همین راستا حدود ۶۳ درصد از ساکنین و پاسخگویان محله شمیران نو اظهار کرده‌اند در صورت فراهم شدن شرایط

این محله را به قصد محله‌های بهتر ترک خواهند کرد. ساکنین محله‌ی شمیران نو نسبت به بدگویی و تعریف از محله‌ی خود در جمع دوستان و اقوام دارای واکنش هستند و این امر برایشان دارای اهمیت است و خود را نسبت به اتفاقات و مشکلاتی که در محله رخ می‌دهد مسئول می‌دانند. این درحالی‌که است که برای بر عهده گرفتن وظیفه‌ی امور و مراجعه به ادارات برای پیگیری مشکلات محله چندان رغبتی نشان نمی‌دهند که ساکنان عدم پاسخگویی از طرف نهادهای متولی امور محله را علت این وضعیت می‌دانند. «میزان شناخت همسایه‌ها از یکدیگر»، «کمک گرفتن زمان بیماری‌ها و مشکلات زندگی از همسایه‌ها»، «میزان کمک به همسایگان در صورت نیاز» و «سعی در آشنایی با همسایه جدید در صورت ورود به محله» از طرف ساکنین در حد متوسطی ارزیابی شده است. میزان رفت‌وآمد خانوادگی با همسایه‌ها در میان ساکنان محله شمیران نو بسیار پایین می‌باشد و سطح‌بندی میزان روابط همسایه‌ها در محله نشان می‌دهد ارتباط با همسایه‌ها بیشتر در حد سلام و علیک کردن با یکدیگر بوده است. به لحاظ امور مربوط به مشارکت در سطح محله بررسی‌ها نشان داد که میزان حضور ساکنین محله شمیران نو در مسجد محله و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی به نسبت به سایر ابعاد مشارکت محله‌ای بیشتر بوده است. در مقابل، میزان مشارکت ساکنین محله شمیران نو در انجمن‌های سطح محله و شوراهای محلی، مشارکت در صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی و مواردی از این قبیل در سطح پایینی بوده است. به لحاظ امنیت در سطح محله، میزان درگیری و دعوای خیابانی در سطح محله بالا بوده است. تراکم و شلوغی در محله بسیار چشمگیر است و ساکنین عقیده دارند اغلب درگیری‌ها و خشونت‌های شدید به علت کمبود پارکینگ اتفاق می‌افتد.

در حالت کلی نتیجه‌ی آزمون‌های تجربی نشان داد که میزان انطباق قلمرو فیزیکی محله‌ی شمیران نو با ویژگی‌های اجتماع محلی در حد متوسطی ارزیابی شده است به طوری که سطح هویت محله‌ای در محله‌ی شمیران نو متوسط و رو به بالا بوده است؛ لیکن این وضعیت، سبب شکل‌گیری و بهبود تعاملات و همبستگی اجتماعی درونی ساکنین محله نشده است. به گونه‌ای که سطح همبستگی اجتماعی در میان ساکنین محله پایین‌تر از حد متوسط پژوهش (۳) بوده است. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد اغلب شاخص‌های شهرگرایی به‌عنوان متغیر مستقل دارای روابط و تأثیرات منفی بر مؤلفه‌های اجتماع محلی بوده‌اند. در این بین متغیرهای منفعت‌گرایی شخصی، روابط اجتماعی گسترده‌تر در شهر و فناوری‌های نوین ارتباطی دارای بیشترین تأثیرات منفی بر هویت محله‌ای و همبستگی و تعاملات اجتماعی درون محله‌ای بوده‌اند. از نگاه اغلب شهروندان محله، استقلال فردی، موفقیت و پی‌جویی نیازهای شخصی و خانوادگی ترجیحات و اولویت‌های اجتماعی آن‌ها محسوب می‌گردد که این ارجحیت ارزش‌های فردگرایانه بر ارزش‌های جمع‌گرایانه به‌نوعی سبب کاهش همبستگی‌های اجتماعی در سطح محله‌ها شده است؛ چراکه فلسفه‌ی وجودی محله بر ارزش‌های جمع‌گرایانه متکی است. اینترنت نیز عامل جدیدی در ساختن و شکل دادن به اجتماعات جدید است. این عامل سبب شده که گونه‌های جدیدی از همسایگی به‌ویژه در شهرهای بزرگ در حال ظهور باشد که به‌نوعی جایگزین روابط همسایگی سنتی مبتنی بر مجاورت گردد.

بر اساس نتایج حاصل شده می‌توان گفت، نظریه‌های شهرگرایی جبرگرایانی مانند امیل دورکیم (نظریه کاهش همبستگی اجتماعی در شهر و همبستگی مکانیکی)، جورج زیمل (نظریه کلان‌شهر و حیات ذهنی)، فردیناند تونیز (نظریه روابط گمناشافتی (اجتماع) و گزلفاشتی (جامعه))، رابرت پارک (مکتب شیکاگو) و لوئیس ویرت (نظریه شهرگرایی به‌مثابه شیوه جدید از زندگی)، در شرایط محله‌های تهران و به‌طور خاص محله‌ی شمیران نو تا حد قابل‌توجهی مصداق پیدا می‌کند زیرا بر اساس یافته‌های پژوهش، شهرگرایی و شیوه‌های زندگی مادرشهری (در قالب شاخص‌های سبک زندگی شهری، روابط اجتماعی گسترده در شهر، منفعت‌گرایی فردی و فناوری‌های نوین ارتباطی) از جمله عوامل واگرایی و کمرنگ‌شدن ویژگی‌های اجتماع محلی در محله‌ی شمیران نو مادرشهر تهران بوده‌اند. همچنین نتایج پژوهش‌هایی مانند موسوی و صفری (۱۳۹۵)، عبداللهی (۱۳۹۲)، رحمت‌آبادی (۱۳۹۸) و... نیز نشان داد که بین سبک زندگی شهری، گرایش به روابط گسترده در شهر و دلبستگی به مکان شهری با احساس تعلق محله‌ای، همبستگی منفی و معنادار، وجود دارد. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که شکل‌گیری وضعیت موجود صرفاً به دلیل شاخص‌های شهرگرایی و شیوه‌های خاص زندگی در مادرشهر تهران نیست بلکه این ناهمسوئی و ناسازگاری محله و اجتماع محلی در نظام مادرشهری معاصر از دلایلی دیگر مانند مسئله‌ی مقیاس در شهر، عدم استقلال و خودکفایی واحدهای محله در مادرشهر، توسعه‌ی نظام جابه‌جایی و حرکت در شهر، جدایی‌گزینی کار و سکونت در محله‌ها و... تأثیر می‌پذیرد که خارج از بحث این پژوهش بوده است. با توجه به زوال جایگاه محله در شهرها، بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان مانند نظریه‌پردازان نوشهرگرا، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)، حسینی و سلطانی (۱۳۹۷)، معروفی و دولابی (۱۳۹۹) و... راهکار بازگشت به محلات سنتی و احیای محلات

در قالب محله‌های نتوستتی را مطرح می‌کنند. این در حالی است که پژوهش حاضر در راستای پژوهش سلیمانی و همکاران (۱۳۹۸)، این چالش را مطرح می‌کند که بازگشت به محله‌های سنتی ایرانی و مطرح کردن آن در مادرشهری مانند تهران، به نظر می‌رسد چندان عقلانی نباشد و بایستی مسئله‌ی مقیاس و ساختار جغرافیایی توسعه‌ی شهری را مدنظر قرارداد.

مسئله‌ای که باید در کانون توجه پژوهش‌های علمی، دانشگاهی و طرح‌های شهری در ارتباط با محله قرار گیرد توجه به مسئله‌ی مقیاس، مرحله‌ی رشد شهر و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم است؛ چراکه هر شهری در هر مرحله از تحولات فضایی-زمانی، محله‌های خاص خود را دارد، زیرا محله‌بندی بیانگر همان مناسبات و ساختارهای اجتماعی فضایی است که بر شهرهای هر دوره حاکم است و وضع آن مناسبات نیز تابع میزان، اندازه و حجم انباشت‌های فضایی شهر است. از این رو، بینش نوستالژیک به محله و بازتولید محله‌های مربوط به شهرهای گذشته‌ی ایران و مطرح کردن آن در قالب‌های نو به‌ویژه در فضای مادرشهری مانند تهران، امری غیرممکن به نظر می‌رسد. در چنین فضایی و با شیوه‌های برخورد چند سال اخیر، نباید انتظار بازتولید محله‌هایی با محتوای اجتماعی و به بار نشستن بحث‌هایی مانند مشارکت محله‌ای و ... را داشت؛ بنابراین، باید توجه داشت که ارتقاء و تقویت انطباق فضایی اجتماع محلی و محله، شرط اساسی ایجاد، بهبود و بازآفرینی محله‌های موجود در چارچوب گفتمان مادرشهری و شهرگرایی مقیاس مادرشهر تهران است. در حال با توجه به شرایط ویژه‌ای که در محله‌ی شمیران نو وجود دارد می‌توان به چند توصیه اشاره نمود:

- افزایش نفوذپذیری معابر در برخی از بلوک‌های مسکونی محله و افزایش سطح تراکم مسکونی از طریق بهسازی و بازسازی واحدهای فرسوده در محله؛
- افزایش میزان امنیت در محله از طریق آموزش‌های اجتماعی در بلندمدت و استقرار واحدهای پلیس محله در کوتاه‌مدت؛
- ایجاد و تقویت مرکز محله شمیران نو در میدان پاکدامن یا خیابان شمیران نو (به‌عنوان یک راسته ترکیبی) با استفاده از توسعه‌ی کاربری‌های ترکیبی؛
- تأسیس پارکینگ‌های طبقاتی در سطح محله و کاهش حضور وسایل نقلیه پارک شده در سطح معابر و کاهش نزاع‌های مردمی به خاطر کمبود پارکینگ؛
- انتقال پهنه‌های نظامی مقیاس بزرگ موجود در سطح محله به مکان‌های مناسب‌تر (خارج یا حاشیه‌ی شهر) و اختصاص این اراضی به کاربری‌هایی خدماتی در مقیاس محله مانند کاربری‌های فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و ... در راستای افزایش سرانه‌ی خدمات شهری و ...

منابع

- حسینی، سید فخرالدین؛ سلطانی، مهرداد (۱۳۹۷). **تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر**. ماهنامه باغ منظر، ۱۵ (۶۰)، ۲۸-۱۵.
- حناچی، پیروز؛ رضایی، نعیمه (۱۳۹۴). **بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی سکونت در محلات، نمونه موردی: محله عودلاجان تهران**. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲(۱)، ۴۰-۳۱.
- رحمت‌آبادی، الهام (۱۳۹۸). **محله، روابط همسایگی و انزوای اجتماعی، محله جستارهای شهرسازی، ۲(۸) (پیاپی ۵۲)، ۱۳۵-۱۲۹**.
- رضازاده، راضیه؛ محمدی آیدغمیش؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۰). **توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارایی مینا (مطالعه موردی: محله امام‌زاده حسن، منطقه ۱۷ تهران)**. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۶(۲)، ۵۵-۳۷.
- رهنمایی، محمدتقی و همکاران (۱۳۸۶). **سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران**. فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، ۵ (۱۲ و ۱۳)، ۴۲-۱۹.
- زمانزاده دربان، زمزم (۱۳۹۶). **سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل**، نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۶، شماره ۳ (پیاپی ۴۸)، ۸۵-۶۵.

- زیاری، کرم‌الله، حبیبیان، بهار (۱۳۹۵). *محلات همزیست، معرفی الگویی از اجتماع محلی پایدار، معماری و شهر پایدار*، (۱)۴، ۳۱-۴.
- سلیمانی، محمد؛ زنگانه، احمد؛ شورچه، محمود (۱۳۹۸). *برساخت محله و اجتماع محلی در گفت‌وگوهای شهرشناسی و برنامه‌ریزی شهری (نگاهی به تجربه جهانی و ایران)*. مجله جستارهای شهرسازی، ۲(۸) (پیاپی ۵۲)، ۱۰-۴۶.
- شکویی، حسن (۱۳۸۷). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. ج اول، تهران: انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
- شورچه، محمود (۱۳۹۶). *جغرافیای شهری معاصر (مبانی و کاربرد)*. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- عبدالله زاده طرف؛ بهزادفر، مصطفی؛ نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). *بسط مفهوم محله با آناتومی مفهوم اجتماع*. مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۷)، ۱۰۴-۸۹.
- عبدالهی، مجید و صرافی، مظفر و توکلی نیا، جمیله. (۱۳۸۹). *بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران*. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۲(۷۲)، ۱۰۳-۸۲.
- غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۶). *از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیاء هویت محلی در شهر امروز*. مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۰(۲۱)، ۷۶-۶۱.
- مارک ای ویس (۱۳۸۷). *منشور نوشهرگرایی*. ترجمه: علیرضا دانش - رضا بصیری مژده‌ی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*. ترجمه: فرشاد نوریان. تهران: شرکت انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معروفی، حسین؛ دولابی، پویا (۱۳۹۹). *معاصر سازی مفهوم "محله" در شهر ایرانی با نگاه بر مبانی برنامه ریزی محله مینا، نشریه معماری و شهرسازی ایران*، ۱۱(۱)، ۲۵-۴۰.
- مک اندرو، فرانسیس (۱۳۸۷). *روانشناسی محیطی*. ترجمه غلامرضا محمودی، تهران: انتشارات زریاف اصل.
- موسوی، سید یعقوب؛ صفری، سحر (۱۳۹۶). *رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای*. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۲(۳)، ۶۲-۳۱.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۷). *بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای*. مجله مطالعات اجتماعی ایران ۲(۲)، ۱۲۳-۹۹.
- ناکس، پل؛ پینچ، استیون (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر جغرافیای اجتماعی شهر*. مترجم: محمود شورچه، انتشارات پرهام نقش، تهران.
- عبدالهی، مجید (۱۳۹۲). *ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی محله‌های شهر شیراز*، نشریه مدیریت شهری، ۱۲(۳۲)، ۱۸۴-۱۶۳.
- Barton, H., & Grant, M., & Guise, R (2003). **Shaping Neighborhoods: For health, sustainability and vitality**. *Rutledge, London and New York*
- Blackshaw. T (2010). **Key Conception in Community Studies**. *Sage Publications*.
- Chaskin, Robert J. (1997). **Perspectives on Neighborhood and Community: A Review of the Literature**. *The Social Service Review, 77 (4): 521-547*.
- Cowan, R. (2005). **The Dictionary of Urbanism**. *London Street Wise Press*.

-
- Erkip, F. (2010). **Community and neighborhood relations in Ankara: An urban-suburban contrast.** *Cities*, 27(2), 96-102.
 - Hooper, B. (2009). **Los Angeles school of post -Modern Urbanism,** *international Encyclopedia Geography*, 2009, Pages 293-297.
 - Kearns, A., & Parkinson, M. (2001). **The significance of neighborhood.** *Urban Studies*, 38(12). 2103-2110.
 - Keller, S. (1968). *The Urban Neighborhood: A Sociological Perspective. Vol. 33. New York: Random House.*
 - Livingston, M., Bailey, N. & Kearns, A. (2010). **Neighbourhood attachment in deprived areas: evidence from the north of England,** *Journal of Housing and the Built Environment*, 25(4):409 427.
 - Martin, Deborah G. (2003). **Enacting Neighborhood.** *Urban Geography*, 24 (5): 361-385.
 - Park, Y., & Rogers G., O. (2015). **Neighborhood Planning Theory, Guidelines, and Research: Can Area, Population, and Boundary Guide Conceptual Framing?.** *Journal of Planning Literature*, Vol. 30(1) 18-36.
 - Silver, C. (1985). **Neighborhood Planning in Historical Perspective.** *Journal of the American Planning Association* 51 (2): 161-174.
 - Weiss, L., Danielle O., Sandro G., and David V. (2007). **Defining Neighborhood Boundaries for Urban Health Research.** *American Journal of Preventive Medicine*. 32 (6): 154-159.
 - Wellman, B., & Barry L. (1979). **Networks, Neighborhoods, and Communities: Approaches to the Study of the Community Question.** *Urban Affairs Review* 14 (3): 363-390.